

گروه سیاسی؛ نخستین روز از آیین ۲ روزه وداع مردم با پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی، صبح شنبه ۱۳ تیرماه در حالی در مصلاى امام خمینی(ره) تهران آغاز شد که شور حضور مردم، ساعت‌ها پیش از شروع رسمی مراسم، برنامه‌ریزی‌های انجام‌شده را تحت تأثیر قرار داد. اگرچه طبق اعلام قبلی قرار بود درهای مصلى از ساعت ۶ صبح به روی عزاداران گشوده و مراسم نیز از همان زمان به صورت رسمی آغاز شود اما از ساعات پایانی شب جمعه، خیابان‌های اطراف مصلى آرام آرام ملو از جمعیتی شد که می‌خواستند جزو نخستین افرادی باشند که در مراسم وداع با رهبر شهید انقلاب اسلامی حضور می‌یابند. هرچه از نیمه‌شب می‌گذشت، بر شمار این جمعیت افزوده می‌شد. خانواده‌ها، جوانان، سالمندان، زنان و مردانی که از نقاط مختلف تهران و شهرهای دیگر خود را به محل مراسم رسانده بودند، در سکوتی آمیخته با اندوه و انتظار، چشم به درهای بسته مصلى دوخته بودند.

تراکم جمعیت در ورودی‌های مختلف مصلى به اندازه‌ای افزایش یافت که مسؤولان برگزارى مراسم ناچار شدند زمان بازگشایی درها را تغییر دهند. در نهایت، در حالی که هنوز هوا کاملاً روشن نشده بود و حدود ۲ ساعت و نیم تا آغاز رسمی مراسم باقی مانده بود، درهای مصلاى امام خمینی(ره) از حدود ساعت ۳:۳۰ بامداد به روی عزاداران گشوده شد. با باز شدن درها، سیل جمعیت با نظم و آرامش وارد شبستان‌ها و محوطه‌های داخلی مصلى شد؛ جمعیتی که ساعت‌ها انتظار کشیده بود تا در نخستین لحظات وداع با رهبر شهید انقلاب اسلامی حضور داشته باشد.

از همان لحظات نخست، فضای مصلى حال و هوایی متفاوت به خود گرفت. شبستان‌ها به تدریج از جمعیت انباشته و هر لحظه بر تعداد حاضران افزوده می‌شد. برخی در سکوت به قرائت قرآن مشغول بودند، برخی دیگر ذکر می‌گفتند و گروهی نیز با چشمانی اشکبار، چشم به جایگاه اصلی مراسم دوخته بودند. هنوز برنامه رسمی آغاز نشده بود اما فضای عمومی مصلى نشان می‌داد این مراسم برای بسیاری از حاضران صرفاً یک آیین رسمی نیست، بلکه لحنه‌های برای وداعی عاطفی و تاریخی محسوب می‌شود. در بیرون از مصلى نیز شرایط تفاوتی با داخل نداشت. خیابان‌های شهید بهشتی، قنبرزاده، بزرگراه شهید سلیمانی، بزرگراه مدرس و دیگر مسیرهای منتهی به محل برگزاری مراسم، از نخستین ساعات بامداد شاهد حرکت مستمتر جمعیتی بودی که پیاده یا با استفاده از ناوگان حمل‌ونقل عمومی راهی مصلى می‌شدند. ایستگاه‌های مترو اطراف مصلى با حجم بالای مسافران مواجه بودند و در طول مسیر، پرچم‌های سیاه، بیرق‌های عزاداری و تصاویر رهبر شهید انقلاب اسلامی، جلوه‌ای ویژه به فضای شهر بخشیده بود.

با نزدیک شدن به ساعت آغاز رسمی مراسم، سکوت حاکم بر شبستان‌ها جای خود را به نوای روح‌بخش قرآن کریم داد. احمد ابوالقاسمی، قاری بین‌المللی قرآن کریم، با تلاوت آیاتی از کلام‌الله مجید، نخستین بخش رسمی برنامه را آغاز کرد. طنین آیات قرآن در فضای وسیع مصلى، حال و هوایی معنوی و آرامش‌بخش ایجاد کرده بود و هزاران نفر از حاضران با سکوت کامل به تلاوت قرآن گوش سپرده بودند.

پس از پایان تلاوت قرآن، برنامه با پخش سرود ملی جمهوری اسلامی ایران ادامه یافت. همزمان با آغاز سرود، جمعیت حاضر یکپارچه از جای برخاستند و با احترام، سرود ملی را می‌خواندند. سکوت، نظم و هماهنگی هزاران نفر در این لحظات، جلوه‌ای خاص به فضای مراسم بخشیده بود.

با پایان سرود ملی، فضای مصلى به‌تدریج رنگ و بوی سوگواری به خود گرفت. هزاران نفر مرثیه‌ماندار «عزرا عزاست امروز» در شبستان‌های مصلى طنین‌انداز شد و به‌سرعت از بلندگوها به خیابان‌های اطراف نیز رسید. همزمان با



پخش این مرثیه، عزاداران با سینه‌زنی و همخوانی اشعار، فضای مراسم را سرشار از اندوه و دلدادگی کردند. بسیاری از حاضران اشک می‌ریختند و گروهی دیگر با زمزمه اشعار این مرثیه، احساسات خود را ابراز می‌کردند. دقایقی بعد، مهم‌ترین بخش آغازین مراسم فرارسید؛ پیکرهای مطهر رهبر شهید انقلاب اسلامی و اعضای خانواده شهید ایشان در جایگاه اصلی مراسم قرار گرفت. با استقرار پیکرهای مطهر، فضای مصلى بیش از پیش تحت تأثیر قرار گرفت و موجی از احساسات در میان عزاداران شکل گرفت. هزاران نفر با قرائت صلوات، ذکر و اشک، آخرین ادای احترام خود را به رهبر شهید انقلاب اسلامی به جا آوردند. بسیاری تلاش می‌کردند از فاصله‌ای هرچند دور، نگاهی به جایگاه اصلی مراسم داشته باشند و در این وداع تاریخی سهیم شوند.

در همین حال، جمعیت حاضر همچنان رو به افزایش بود. درهای مصلى همچنان پذیرای عزادارانی بود که از نقاط مختلف کشور خود را به تهران رسانده بودند. برخی کاروانی آمده بودند، برخی به صورت خانوادگی و شماری نیز به صورت انفرادی راهی مراسم شده بودند. پس از استقرار پیکرهای مطهر، فضای مراسم به طور کامل وارد بخش مرثیه‌سرایی و سوگواری شد. نخستین نوحه‌ها و مرثی، اشک را بر چشمان بسیاری از حاضران جاری کرد و صدای همخوانی جمعیت، بار دیگر شبستان‌های مصلى را در بر گرفت. این آغاز ساعتی بود که با تلاوت قرآن، مرثیه‌خوانی، شعر، نوحه و حضور گسترده مردم، نخستین روز وداع تاریخی با رهبر شهید انقلاب اسلامی را رقم زد.

با آغاز بخش‌های اصلی مراسم، فضای مصلاى امام خمینی(ره) بیش از پیش رنگ و بوی سو‌گواری به خود گرفت. هزاران عزادار که از ساعات اولیه بامداد به شبستان‌ها و محوطه‌های مختلف مصلى مستقر شده بودند، در کنار جایگاه اصلی مراسم، با چشمانی اشکبار

وداع باشکوه ملت وفادار با پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب و اعضای خانواده ایشان

اهل بیت ایران



و داستانی رو به آسمان، برنامه‌های مختلف آیین وداع را دنبال می‌کردند. در هر گوشه‌ای از مصلى، حلقه‌هایی از عزاداران دیده می‌شد که با زمزمه صلوات، ذکر و دعا، خود را برای ادامه مراسم آماده می‌کردند. سکوت‌های کوتاه میان برنامه‌ها، خیلی زود جای خود را به نوای مرثیه و نوحه داد و فضای مراسم بار دیگر آکنده از صدای سینه‌زنی و همنوایی جمعیت شد.

آغاز شد. او با قرائت مرثیه و نوحه، فضای معنوی مصلى را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داد و حاضران با اشک

و سینه‌زنی، نوحه‌های او را همراهی کردند. بسیاری از عزاداران در این لحظات دست بر سینه، با چشمانی اشکبار و زمزمه اشعار، اندوه خود را ابراز می‌کردند.

اندکی بعد، کربلایی‌نریمان پناهی در جایگاه قرار گرفت و با اجرای نوحه و مرثیه، این فضای سوگوارانه را ادامه

داد. همزمان با اجرای او، جمعیت با نوحه‌ها همراه شد و صدای سینه‌زنی در بخش‌های مختلف مصلى به گوش می‌رسید. بسیاری از حاضران با بالا گرفتن پرچم‌های عزرا و پاسخ به فرازهای نوحه، فضای مراسم را به مجلسی یکپارچه از سوگواری تبدیل کرده بودند.

یکی از بخش‌های اثرگذار مراسم، طنین سلام رهبر مجاهد شهید انقلاب به حضرت سیدالشهدا(ع) بود؛ بخشی که حال و هوایی عاشورایی به مراسم بخشید و ارتباط مفهومی میان فرهنگ شهادت و آیین وداع را در ذهن حاضران پرنگتر کرد. با پخش این سلام، بسیاری از عزاداران به احترام برخاستند و فضای مصلى در سکوتی آمیخته با اشک و اندوه فرو رفت.

در ادامه برنامه، احمد بابایی با حضور در جایگاه، اشعار حماسی و آیینی خود را قرائت کرد؛ اشعاری که در آن، مفاهیمی همچون ایثار، شهادت، وفاداری و ادامه راه شهیدان برجسته بود و با استقبال گسترده حاضران روبه‌رو شد. هنگامی که او در بخشی از شعر خود خطاب

قدرتی که مردم می‌سازد

از جنس نسبت بیرونی نیست، ممکن‌است اعتراض کنند، ناراضی باشند، نقد داشته باشند، از کارگزاران خشمگین شوند یا از تبعیض و فساد برنجانند اما همچنان درون آفتی زندگی کنند که بوده‌اند و بعد به صورت‌های خشک اداری بدل شده‌اند اما حتی همین چالش هم نشان می‌دهد که ما هنوز با مساله نهاد سروزکار داریم،به بافقدان کمل سیاست‌اهمیت حکمرانی آیتالله شهید خامنه‌ای در همین جاست که برای ما معلوم می‌شود.ایشان کوشیدند قدرت انقلاب را به صورت نهادی حفظ کنند. این تلاش به معنای صرف حفظ ساختار رسمی قدرت نبود، بلکه در حفظ امکان تاریخی جمهوری اسلامی ایران دلالت می‌کرد. از این قرار روش ایشان در حکمرانی بر جلوگیری از تبدیل شدن انقلاب اسلامی ایران به خطرهای محترم‌اما بی‌اثر متمرکز شده بود. در منطق رهبر شهید انقلاب، مردم تنها به‌عنوان رأی‌دهنده، مخاطب سخنرانی‌های حکومتی یا نیروی اجتماعی بسیج شده فهمیده نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان حاملان یک معنای سیاسی خاص حاضر می‌شوند. مردم جمهوری اسلامی ایران مردمی‌اند که باید بتوانند میان زندگی روزمره خود و سرنوشت سیاسی کشور پیوند برقرار کنند. اگر این پیوند گسسته شود، نهادها از معنا تهی می‌شوند. اگر این پیوند برقرار بماند، حتی سوگ نیز به لحظه بازسازی امر سیاسی تبدیل می‌شود.

■ **مردم مبعوث شده، امام حاضر**
حضور مردم در تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب را باید در همین چارچوب فهمید. این حضور فقط مراسم بزرگداشت یا تجلیل از پایان یک دوره سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه عرصه آشکار شدن نتیجه یک دوره است. در این صحنه ما با مردمی روبه‌رو هستیم که طی سال‌ها در نسبت با نهادهای جمهوری اسلامی تربیت شده‌اند؛ مردمی که آموخته‌اند سیاست را فقط در سطح دولت نبینند، بلکه آن را در حافظه، سوگو، وفاداری، آیین، امنیت، مقاومت و سرنوشت مشترک تجربه کنند. این مردم ممکن است از

تهی کند از همین جاست که چالش‌های جمهوری اسلامی نیز باید فهمیده شوند. چالش‌ها صرفاً از فقدان نهاد پدید نمی‌آیند؛ گاهی از فرسودگی نهادهایی پدید می‌آیند که زمانی حامل معنا بوده‌اند و بعد به صورت‌های خشک اداری بدل شده‌اند اما حتی همین چالش هم نشان می‌دهد که ما هنوز با مساله نهاد سروزکار داریم،به بافقدان کمل سیاست‌اهمیت حکمرانی آیتالله شهید خامنه‌ای در همین جاست که برای ما معلوم می‌شود.ایشان کوشیدند قدرت انقلاب را به صورت نهادی حفظ کنند. این تلاش به معنای صرف حفظ ساختار رسمی قدرت نبود، بلکه در حفظ امکان تاریخی جمهوری اسلامی ایران دلالت می‌کرد. از این قرار روش ایشان در حکمرانی بر جلوگیری از تبدیل شدن انقلاب اسلامی ایران به خطرهای محترم‌اما بی‌اثر متمرکز شده بود. در منطق رهبر شهید انقلاب، مردم تنها به‌عنوان رأی‌دهنده، مخاطب سخنرانی‌های حکومتی یا نیروی اجتماعی بسیج شده فهمیده نمی‌شوند، بلکه به‌عنوان حاملان یک معنای سیاسی خاص حاضر می‌شوند. مردم جمهوری اسلامی ایران مردمی‌اند که باید بتوانند میان زندگی روزمره خود و سرنوشت سیاسی کشور پیوند برقرار کنند. اگر این پیوند گسسته شود، نهادها از معنا تهی می‌شوند. اگر این پیوند برقرار بماند، حتی سوگ نیز به لحظه بازسازی امر سیاسی تبدیل می‌شود.

■ **مردم مبعوث شده، امام حاضر**
حضور مردم در تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب را باید در همین چارچوب فهمید. این حضور فقط مراسم بزرگداشت یا تجلیل از پایان یک دوره سیاسی در تاریخ جمهوری اسلامی ایران نیست، بلکه عرصه آشکار شدن نتیجه یک دوره است. در این صحنه ما با مردمی روبه‌رو هستیم که طی سال‌ها در نسبت با نهادهای جمهوری اسلامی تربیت شده‌اند؛ مردمی که آموخته‌اند سیاست را فقط در سطح دولت نبینند، بلکه آن را در حافظه، سوگو، وفاداری، آیین، امنیت، مقاومت و سرنوشت مشترک تجربه کنند. این مردم ممکن است از

با گذشت ساعت‌ها از آغاز مراسم، ندهتها از حجم جمعیت کاسته نشد، بلکه همچنان گروه‌های جدیدی از عزاداران وارد مصلى می‌شدند. مسیرهای اطراف محل برگزاری مراسم همچنان ملو از جمعیتی بود که آرام آرام خود را به شبستان‌ها می‌رساندند. خادمان مراسم، نیروهای انتظامی، امدادی و خدماتی نیز به صورت مستمر در حال هدایت جمعیت و ارائه خدمات بودند تا مراسم در نهایت نظم برگزار شود.

در بخش دیگری از مراسم، حضور جمعی از اتباع و زائران پاکستانی نیز مورد توجه قرار گرفت. آنان با در دست داشتن پرچم‌ها و نمادهای مذهبی، در کنار دیگر عزاداران در مراسم حضور یافتند و سا قرائت صلوات و شرکت در آیین‌های سوگواری، ارادت و همدردی خود را ابراز کردند.

با ادامه برنامه‌ها، مصلى همچنان ملو از نوای مرثیه، صلوات، دعا و سینه‌زنی بود. هرچند ساعت‌ها از آغاز مراسم گذشته بود اما خستگی در چهره عزاداران دیده نمی‌شد. بسیاری ترجیح داده بودند در همان محل بمانند و تمام برنامه‌های روز نخست وداع را تا پایان دنبال کنند. با گذشت ساعت‌ها از آغاز مراسم، نه از شور حضور مردم کاسته شد و نه از حال و هوای معنوی حاکم بر مصلاى امام خمینی(ره). جمعیتی که از نخستین ساعات بامداد خود را به محل برگزاری رسانده بودند، همچنان با نظم در شبستان‌ها و محوطه‌های مختلف حضور داشتند و گروه‌های دیگری نیز به صورت پیوسته از مسیرهای منتهی به مصلى وارد محل مراسم می‌شدند. خیابان‌های اطراف همچنان ملو از عزادارانی بود که با پای پیاده خود را به مراسم می‌رساندند.

در ادامه برنامه‌ها، حاج سیدمحمد علوی با حضور در جایگاه، نوحه‌ای سوزناک را اجرا کرد که فضای مراسم را بیش از پیش تحت تأثیر قرار داد. زمزمه فراز «باور نداره چشمم بی‌ایم که دیگه آقاشو نمی‌بینم…» به سرعت در میان عزاداران پیچید و بسیاری از حاضران با چشمانی اشکبار، این نوحه را همراهی کردند.

پس از آن، حاج‌امیر عباسی در جایگاه قرار گرفت و با اجرای مداحی و مرثیه، حال و هوای مراسم را در همان فضای عاطفی ادامه داد. هنگامی که او نوای «تنها نگذارم هرگز مقتدا را…» را زمزمه کرد، جمعیت با او همصدا شدند و فضای شبستان‌های مصلى از صدای همخوانی هزاران نفر شد.

در ادامه،حاج‌صادق اهنگران با قرائت روضه‌ای حزن‌انگیز در جایگاه حاضر شد. نوای «فرصت کم است، ای چشم‌ها وقت تماشااست…» فضای مصلى را در سکوتی آمیخته با اندوه فروبرد. بسیاری از حاضران با شنیدن این فرازها، سر بر زانو گذاشته بودند و اشک می‌ریختند. یکی از آخرین بخش‌های مداحی روز نخست، به اجرای حاج‌میثم مطیعی اختصاص داشت. او با نوحه‌ای حزن‌انگیز، فضای مراسم را به اوج احساسات رساند. زمزمه «خدانگهدار، ای رهبر مستضعفان…» که از بلندگوهای مصلى پخش می‌شد، با همراهی هزاران عزادار تکرار شد و بسیاری از حاضران در حالی که اشک می‌ریختند، این فراز را با صدای بلند زمزمه می‌کردند.

در تمام مدت برگزاری مراسم، برنامه‌ها با نظمی مشخص و بدون وقفه ادامه پیدا کرد. میان بخش‌های مختلف مداحی، تلاوت قرآن، قرائت اشعار آیینی، ذکر مصیبت و مرثیه‌سرایی، فرصت‌هایی برای تجدید آرامش و تمرکز عزاداران فراهم می‌کرد و سپس بار دیگر نوای نوحه و سینه‌زنی در فضای مصلى طنین‌انداز می‌شد. در کنار عزاداران ایرانی، حضور اتباع و زائران خارجی، به‌ویژه جمعی از شهروندان پاکستانی، از دیگر جلوه‌های مراسم بود. آنان نیز سا حضور در میان جمعیت، در برنامه‌های مختلف سوگواری شرکت کردند و با قرائت صلوات، سینه‌زنی و همراهی سا مرثیه‌خوانی‌ها، ارادت خود را نسبت به رهبر شهید انقلاب اسلامی ابراز داشتند.

بسیاری چیزها ناراضی باشند اما هنوز می‌توانند در لحظه‌ای تاریخی، نام مشترک خود را بیازبایند. این نام مشترک همان مردم جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین، پرسشی که ما امروز با آن مواجه هستیم درباره چرایی یا کمیت حضور مردم در مراسم تشییع ایشان نیست. پرسش دقیق‌تر این است که چه تاریخی باید طی شده باشد از چنین مردمی امکان ظهور پیدا کنند. پاسخ این پرسش ما را به رابطه میان نهاد و حکمرانی می‌رساند. در روایت‌های معمول از حکمرانی وقتی حکمرانی صرفاً به‌عنوان نوعی از اداره امور فهمیده شده باشد، مردم به ارباب‌رجوع تبدیل می‌شوند. درعین حال وقتی آن را صرفاً به اعتبار مفهوم امنیت می‌فهمند، مردم را به مطلق موضوع کنترل تبدیل می‌کنند. همچنین هر بار آن‌ها را فقط در سایه مفهوم اقتصاد درک کرده باشند، مردم به طور طبیعی به مصلحت‌کننده و مطالبه‌گر معیشت فروکاسته می‌شوند. در حالی که حکمرانی وقتی به نحوی تاریخی، نهادی و معناپیش‌فهمیده شده باشد، مردم را به حاملان یک جهان سیاسی تبدیل می‌کند. جمهوری اسلامی ایران در قوی‌ترین معنای فهمیده شده باشد، مردم به چنین تلاشی است: تلاش برای اینکه مردم، صرفاً جمعیت ساکن در مرزهای ایران نباشند، بلکه صورت سیاسی خاصی از مردم باشند؛ مردمی که در نسبت با انقلاب، دین، ایران، دولت، شهادت و آینده معنا پیدا می‌کنند.

از این جهت، تشییع پیکر رهبر شهید انقلاب را نباید فقط به‌عنوان نشانه محبوبیت، وفاداری یا سوگ عمومی تحلیل کرد. این حضور، پیش از هر چیز، نشانه ظهور مردمی‌است که در برطن یک نظم نهادی تربیت شده‌اند. مردمی که نام‌شان را باید دقیق گفت، مردم جمهوری اسلامی ایران. فهم این مردم، شرط فهم آینده جمهوری اسلامی است. چون آینده هیچ نظام سیاسی فقط دست نهادهای رسمی آن نیست. آینده هر نظام سیاسی در گرو آن مردمی‌است که آن نظام توانسته‌است تربیت کند. فرایخواند حفظ کند و در لحظه‌های سرنوشت‌ساز به صحنه بیاورد.